



جایگاه صلح جهانی در عرصه بین الملل

مؤلف

میلاذ میوه یان

ویراستار

شهلا رضایی

انتشارات قانون یار

۱۳۹۷

فهرست مطالب

پیشگفتار

بخش اول

حقوق بین الملل و جهان گستری

بخش دوم

گسترش فرهنگ و دیدگاه حقوق بشر

بخش سوم

ضرورت هنجاری و اصولی

نتیجه گیری

منابع و مأخذ

تقدیم بہ:

حجت الاسلام آیت اللہ عباسیان کہ

کام ہا ویشرفت علمی خویش را مدیون

این مقام شاخص ہستم

پیشگفتار

نقش محوری سازمان ملل متحد و سازمان های تابعه آن در تدوین و توسعه حقوق بین الملل در نیم قرن اخیر بر کسی پوشیده نیست . علی رغم انتقادات زیادی که بر آن صورت می گیرد ، موفقیت این نهاد بین المللی با تنظیم معاهدات چندجانبه قانونساز که یکی از دهها وظیفه آن به شمار می رود ، توانسته صلح جهانی را تضمین کند و بنیان آن را تقویت نماید . شاهد مثال کنوانسیون حقوق دریاست که شاهکار قانونگزاری بین المللی به شمار می رود . انتخاب موضوع صلح جهانی از طریق نظام قانون مند ، قریب ربع قرن است که با مطالعات بین المللی مستمر ذهن نویسندگان را به خود معطوف کرده است ، خدا را سپاسگزارم که در همه زمینه های زندگی ، آرزوهای این بنده را برآورده می سازد . انتشار مقالات و مجلات علمی به زبانهای مختلف ، در آستانه هزاره جدید پیرامون جهانی سازی و

ابعاد متنوع آن ، انگیزه موجود را تقویت نمود که با توجه به عصر جهانی شدن ، حمایت و گسترش سازوکارهای حقوقی، در این رابطه بیش از پیش لازم است . رسالت علم حقوق به خصوص بین الملل نیز همراه با پیشرفت های بشری در سطح جهان ، توجه هر چه بیشتر به تشکیلات و قواعد منطبق بر نیازهای عصر ما و آیندگان است . سعی شده است با توجه به وضعیت موجود ، به موارد بدیع و جدیدی پرداخته شود که نتیجه آن تکامل قواعد حاکم بر نظام بین الملل است . در این مسیر به اسناد جدیدی که لازمه تحلیل موضوع است دست یافته ام . لازم به ذکر است که از روش استقرائی استفاده شده است ، اگر چه برای تحلیل مطالب امکان ترک عادت بهره مندی از قیاس بسیار مشکل است . نظام قانون مند جهانی متغیر ثابت موضوع است ، زیرا که قریب یک قرن دچار تحول شده است و ضرورت آن بر جامعه بین المللی مبرهن است . این نظام از بعد داخلی و فراملی متأثرست . مفهوم شخصیت حقوقی بین المللی و

توجه به حقوق بشر ؛ کشور و فرد را محور اصلی قرار می دهد. زما نی می توان ادعا کرد که صلح جهانی استوار شده و استمرار دارد که این دو عنصر محوری ، مورد توجه ویژه قرار گیرند و حقوق مربوط به آنها به خوبی رعایت شده باشد . تعاریف مختلفی که از صلح وجود دارد ، هیچ اجماع روشنی برای حدود آن به دست نمی دهد ، لذا بهتر است از دو بعد موضوعی و عینی و از منظر خرد و کلان به آن پردازیم . در فرهنگ های غیر تخصصی ، صلح را از طریق سلبی بیان کرده اند . به عبارتی با تأکید بر نبود جنگ و دیگر اشکال خشونت ، صلح محقق می شود . مثلاً " در لغت نامه انگلیسی آکسفورد صلح چنین تعریف شده است : «رهائی یا پایان جنگ و مخاصمات که منجر به وضعیتی می شود که یک ملت در جنگ با کشور دیگری نباشد . » قابل توجه اینکه کلمه انگلیسی **PEACE** مشتق از کلمه لاتین **PAX** که بیشتر بار منطقی دارد و به معنی یک معاهده یا خاتمه مخاصمات است . از دیدگاه سازمان بهداشت

جهانی، خشونت که مفهوم مخالف صلح است اینگونه تعریف شده است: " کاربرد هد فمند فشار فیزیکی یا زور، تهدید یا به طور واقعی علیه یک شخص توسط شخص دیگر یا علیه یک گروه یا اجتماع که نتیجه آن صدمه بدنی، مرگ، صدمه روانی، عدم توسعه یا محرومیت خواهد بود.

سه مقوله صلح جهانی، صلح فرهنگی و صلح شخصی مصادیق صلح از کل به جزء هستند.

بخش اول

حقوق بین الملل و جهان گستری

تغییرات شگرفی که در حقوق بین الملل به وجود آمده است ، نیازمند دیدگاه جدیدی در مطالعه آن می باشد . حقوق بین الملل هر روز گسترده تر و پیچیده تر می شود، قلمرو آن به وسعت سازمان بشری در ابعاد جهانی و یا منطقه ای افزایش می یابد. زمانی که صحبت از نظم در یک جامعه به بیان می آید بدون یک نظام حقوقی که روابط اعضای آن جامعه را با یکدیگر تنظیم کند ، امکان برقراری حقوق نیست . در نیم قرن اخیر نظام بین المللی دچار تغییرات اساسی شده است . بیش از شصت کشور تازه پا به عرصه وجود گذاشته اند و تعداد کشورهایایی که پس از نظام وستفالی و ا فول استعمار به وجود آمده اند بالغ بر دویست کشور شده است . نابودی کمونیسم در اواخر قرن بیستم نظم جهانی را دگرگون

ساخت . تجدید حیات شورای امنیت برای مقابله با تجاوز و تغییر بینش به آن ، در جهت حمایت از مداخلات بشر دوستانه ، صلاحیت شبه تقنینی آن ، قطعنامه های تاسیس محاکم قضایی بین المللی و قطعنامه های تحریمی و بهره مندی از ارکان دیگر سازمان ملل متحد ، صلح و امنیت بین المللی را با ابزارهای متفاوتی به دنبال داشته است .

در زمینه اقدامات شبه قانونگذاری ، اعاده صلح و امنیت بین المللی در خلیج فارس و تحدید حدود مرزی عراق و کویت ، مسائل هسته ای جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی ، در راه توسعه مداخلات بشر دوستانه ، مداخله نظامی در سومالی و عراق برای ارسال غذا و بالاخره تاسیس دادگاههای بین المللی یوگسلاوی و رواندا و سیرالئون ، مصوبات شبه قضایی هستند که به عنوان مثال قابل ذکرند . تجزیه اتحاد جماهیر شوروی سابق و برخی کشورهای دیگر بلوک شرق مانند

یوگسلاوی سابق ، بسیاری از موضوعات حقوق بین الملل را به صحنه عمل کشانده است . تلاش کشورهای جا نشین به خصوص روسیه جهت حفظ ثبات داخلی ، تقویت نظام اقتصادی و نقش بین المللی جدید آن پس از جنگ سرد هنوز ادامه دارد .

جهان سوم هنوز با تاریخ مستعمراتی خود و برخی اختلافات قومی مذهبی و مسائل عدم توسعه دست و پنجه نرم می کند .

در این رابطه سوالاتی که بدان می پردازیم ، اینکه منظور از صلح چیست ؟ عنا صر نظام قانون مند کدام است و چه چیزهایی باید تعبیه شود تا یک نظام قانون مند شود ؟ نظامی که مواجه با آن هستیم ساختار تقسیماتی از بعد عملی دارد تا عقیدتی ، اقتصادی ، سیاسی و بالاخره فاصله بین کشورهای پیشرفته و توسعه نیافته که با دو نظر مخالف همراه است . گروهی

معتقدند هر روز فاصله این دو عمیق تر می شود ولی در قبال آن ، گروه دیگر با توجه به روند جهانی سازمان تجارت جهانی بر این عقیده هستند ، که این جدایی در حال کم شدن است . در مواردی همکاری بین ایالات متحده و روسیه جایگزین مقابله سابق شده است . اگر چه اقدامات استراتژیک آمریکا و سلطه طلبی آنحصاری آن گاهی اخباری را پدید می آورد که یاد آور جنگ سرد است . توسعه حقوق و سازمانهای جدید برای صلح و امنیت بین المللی ، حقوق بشر ، محیط زیست و رشد بهره مندی از دیوان بین المللی دادگستری از آثار تغییرات سالهای اخیرست.¹

اولین خصیصه برجسته حقوق بین الملل ، آن است که قواعد آن در تنظیم روابط بین دولتهاست و موضوع

¹HARRIS-Cases and Materials on International Law
London, 15th Edition, Sweet&Maxwell 1998, p.20

اشخاص ، به عنوان تابع ثا نوی تلقی می شود^۱. توسعه سازمانهای بین المللی ، تشکیل کنفرانسهای جهانی سازمان ملل متحد در موضوعات حفظ محیط زیست ، رشد جمعیت ، تمدن، حقوق زنان و مندرجات اعلامیه هزاره که بزرگترین گرد همایی رهبران کشورهای جهان تاکنون بوده است ، نشانگر اهمیت روند جهانی شدن و باعث تکامل نظم جهانی است . روندی که پس از قضیه قتل کنت برنات میانجی سازمان ملل در مسئله فلسطین به عنوان حمایت شغلی سازمان ناشی از پذیرش شخصیت حقوقی بین المللی آن تا به امروز جنبه قانونی به خود گرفته است^۲. می توان گفت سازمانهای بین المللی و انواع مختلف آن به عنوان موضوع حقوق بین الملل به طور تخصصی هر یک از اهداف هزاره را دنبال

¹ Antonio Cassese. International Law. Oxford, 2th Edition. 2005, p.3

² C.A.J. Communique. No49/12, 1949.

می کنند. محو فقر و گرسنگی ، تحقق آموزش و پرورش اولیه در سطح جهانی، حمایت زنان و ترویج برابری زن و مرد، حذف تبعیض جنسی، توجه خاص به کودکان ، مبارزه با بیماریهای واگیردار مانند مالاریا و ایدز، ایجاد یک همکاری جهانی برای توسعه ، توجه به کشورهای بدون مرز آبی و همکاری با کشورهای در حال توسعه در تمامی زمینه های اقتصادی ، ملی و بین المللی ، کار برای جوانان ، دسترسی به دارو و همکاری با بخش خصوصی در دستیابی به تکنولوژی جدید به خصوص اطلاعات و ارتباطات را می توان ذکر کرد.¹

موضوع شورشیان که از طریق مبارزات خود علیه کشوری که بدان تعلق دارند اعلام موجودیت می کنند ، اما به سادگی در جامعه بین المللی پذیرفته نمی شوند ، مگر اینکه ثابت کنند قادر به اعمال برخی حقوق حاکمیت مخصوص کشورها هستند ؛ موضوع سنتی

¹ <http://www.un.org/millenniumgoals>.

جامعه بین المللی به شمار می رود . پس از جنگ جهانی دوم قطب های جدیدی از حالت بین المللی برخوردار شدند. علاوه بر سازمان های بین المللی از جنبشهای آزادی بخش ملی و افراد می توان نام برد. به این موضوعات جدید وجه تمایز حقوق بین الملل جدید با کلاسیک گفته می شود.¹

کسانی که از جامعه جهانی سخن می گویند اعتقاد دارند که دنیا مکان بهتری برای زندگی می شود اگر به صورت یک جامعه در آید . اما باید توجه داشت که در عصر جهانی شدن هویت های قومی ، درون هویت جهانی همچنان باقی خواهد ماند و خصوصیات هر قوم ؛ وجه مشخصه آن باید حفظ شود. به عقیده اریک فروم تاریخ بستر گورستان فرهنگ های بزرگی است که پایان فاجعه آمیز آنها بدان سبب است که نتوانستند در برابر چا

¹ HARRIS.OP.CIT,P.71

لش ، واکنش برنامه ریزی شده ، بخردانه و ارادی بروز دهند.^۱ در قبال تغییرات زمانه هر گونه مقاومت محکوم به شکست است به همین سبب بزرگترین دلیل موفقیت برای هر موضوعی از حقوق بین الملل فوق الذکر انطباق خود با تازه ها است. غریزه جمعی بودن بشر که در دوران پارینه سنگی، او را به کشفیات جدیدی سوق داد تا بتواند بقای خود را تامین کند و تا به امروز زندگی راحت تری را به وجود آورد ، امروزه در سطح بین المللی به حداکثر خود رسیده است . انفجار اطلاعات و ارتباطات که جهان را به یک دهکده تشبیه می کند «جهان گستری را به مرحله تازه ای از تاثیر گذاری متقابل نظر و عمل، دانش و قدرت وارد کرده است»^۲.

¹Frome .The Revolution of Hope:Toward a Humanized Technology, Harper and Row Publishers,1968,New York.NY U.S.A.p62

²Darby ,T.W.Globalization ,Resistance and the New Politics .The Literary Rewiev of Canada,1998,p.3-8

از عقاید مختلفی که نظم نوین جهانی چگونه بر سراسر گیتی حاکم می شود ، می توان چنین فهمید که: اولاً " وجود یک نظم جهانی اجتناب ناپذیر و به عنوان اصل بدیهی پذیرفته شده است ثانیاً " : تا قبل از سال ۲۰۰۰ میلادی برخی آن را از طریق یک کودتای نظامی قابل تحقق می دانستند ، عده دیگر استفاده از نیروهای سازمان ملل و آمریکایی علیه تمامی ملل جهان برای ایجاد یک حکومت جهانی واحد فرض میکردند و بالاخره وجود یک بحران کامپیوتری در تاریخ ۲۰۰۰ که نتیجه آن بی نظمی گسترده اجتماعی میشد عامل ایجاد نظم نوین جهانی به شمار می آوردند . اما از هزاره جدید به بعد نظریه پردازان می گویند : نظم جهانی به تدریج در حال شکل گیری است. افول استعمار، امپریالیسم آمریکا ، وجود نهادهایی مانند سازمان ملل متحد ، سازمان بهداشت جهانی، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی ، تشکیل اتحادیه اروپایی و پول یورو ،

تشکیل اتحادیه آمریکای شمالی و پول آمو،^۱ حوزه تجارت آزاد خاور میانه و برنامه ها و فرایندهای مختلف صلح خاور میانه، اتحادیه آفریقا و حملات یازده سپتامبر را عوامل برجسته ای در راه رسیدن به آن ذکر میکنند. اولین بار اصطلاح نظم جهانی توسط ویلسون رئیس جمهور آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم و در خلال شکل گیری جامعه ملل مطرح شد. او به جای تاکید بر نظام امنیت دسته جمعی، دموکراسی و حق تعیین سرنوشت این نظم را مبتنی بر سیاست های برتر قدرتهای بزرگ آن زمان می دانست. با عدم عضویت آمریکا در جامعه ملل و شکست آن، این واژه نیز رو به فراموشی رفت. بعد از فروپاشی شوروی سابق و پایان جنگ سرد این واژه توسط بوش در سال ۱۹۹۰ مطرح شد. با توجه به عوامل متعددی که در شکل گیری یک نظام

^۱ Amero Currency

^۲[http://en.wikipedia.org/wiki/new-world-order-\(conspiracy\)](http://en.wikipedia.org/wiki/new-world-order-(conspiracy))

قانون مند جهانی موثر است ، ما از دیدگاه حقوقی به مطالعه این موضوع می پردازیم .

۲- روشهای توسعه نظام قانون مند جهانی :

اگر چه حقوق بین الملل حقوق همکاری است ، وجود آن بستگی به رضایت کشورها دارد که می تواند به صورت صریح و یا ضمنی باشد . فقدان رضایت یک کشور به معنی آن است که نمی توان قاعده ای را بر آن تحمیل کرد . در نتیجه هر کشور قانونگذار خود میباشد . رابطه حقوقی بین کشورها با تنوع زیاد بستگی به اراده آن کشورها دارد.^۱ البته نباید قواعد آمره حقوق بین الملل را از یاد برد . قواعدی که هر مورد تخطی و نقض آن باعث بطلان است و موجبات مسئولیت بین المللی را پدید می آورد.^۲ به عبارتی این قاعده سخن از حداقل رفتار قابل قبولی را بیان می کند که هیچ

^۱Pac ta terries nec nocent nec porsunt

^۲Article 53 Of the Vienna Convention

دولت - ملتی از آن تخلف نمی‌کند. مثلاً "اعدام نوجوانان ، می تواند در این مقوله جای گیرد.. معاهدات ، اعلامیه ها و عملکردهایی که نشانگر ممنوعیت این موضوع به طور گسترده و غیر قابل تردید است را در زمره مسائلی مانند بردگی ، شکنجه و کشتار دسته جمعی جای می دهد. هیچ کشوری اظهاری خلاف این موضوعات نمی کند . از طرفی می توان گفت حقوق بین الملل فاقد یک قانونگذار به این منظورست و نتیجتاً "معاهدات دو جانبه و چند جانبه چنین نقشی را بر عهده دارند . از طرف دیگر باید توجه داشت که حقوق بین الملل دارای خصیصه خاصی^۱ با جنبه های قانونگذاری بین المللی است ، به عبارتی حقوق بین الملل عام مرکب از حقوق عرفی بین المللی و اصول کلی حقوقی است . قواعد حقوق بین الملل عام برای همه کشورها الزام آورست.

^۱Sui Generis

بدین ترتیب که هر معاهده جدید به این نظام وارد می شود از چنین خصیصه ای برخوردار است .

در دنیای معاصر عوامل عدیده ای منجر به بین المللی شدن قواعد حقوق بین الملل می شود. با زمانهای گذشته که یک کشور یا وزیر خارجه آن به آسانی می توانست قاعده ای را بپذیرد یا از آن شانه خالی کند تفاوت زیادی صورت گرفته است . امروز دیگر در سطح بین المللی واقع شدن یک انتخاب نیست . عملکرد سازمانهای زیادی که تعدادشان روبه افزایش است ، حتی دستگاههای قانونگزاری و قضایی ملی منعکس کننده سیاست و نحوه قانون سازی رسمی یا غیر رسمی بین المللی هستند . نهادینه شدن حاکمیت و سیاست جهانی محدود به بین المللی کردن فعالیت های حکومتی و دولتی نیست ، بلکه در هر زمینه ای از جنبه های اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی روابط کشورها از مرزهای سرزمینی فراتر رفته است . از تاریخ تشکیل اتحادیه بین

المللی تلگراف در ۱۸۶۵ ارتباط بین المللی ، مورد تاکید اروپائیان و سپس جهانیان واقع شده است . به قول لویی رنو دانشمند « فرانسوی » گردانندگان پست و تلگراف که اتحادیه پست و اتحادیه تلگراف را به وجود آوردند و مردم حتی نا مشان را هم نمی دانند به تمدن و صلح بین اقوام به مراتب بیشتر از دیپلماتهای صاحب نام خدمت کردند .^۱

دوران پس از جنگ دوم جهانی و تشکیل سازمان ملل متحد نیز با تصویب منشور ملل متحد مبداء جدیدی برای تغییر نظام وستفالی به شمار می رود. سازمان ملل متحد و ارکان آن برای جبران ضعف های جامعه ملل به گونه ای طراحی شد که تقسیم سیاسی جهان به دولت - ملتهای قدرتمند با منافع جغرافیایی مختلف در منشور مورد توجه بود. و یکی از دلایل آشکار حق وتوی اعضای

^۱ Louis Renault به نقل از نهادهای روابط بین الملل ، کلود

آلبر کلییار، ترجمه و تحقیق دکتر هدایت الله فلسفی ص ۷

دائم شورای امنیت است.^۱ اینک زمان آن فرا رسیده که حقوق بین الملل جدید را در دنیای معاصر مورد آزمایش قرار دهیم. برای این منظور با تفکر جدیدی به موضوعات باید نظر افکند مناسب ترین بینش در فهم مباحث حقوق بین الملل توجه به قواعد آن یا اجرای آن به تنهایی نیست، بلکه بر اساس قواعد و اجرا و علاوه بر این قدرت و کنترل آن می باشد. قواعد به تنهایی نمی توانند تصمیمات بین المللی را توجیه کنند و تمرکز بر اجرا نیز به تنهایی راه گشا نیست. عوامل اقتصادی و جغرافیایی و اجتماعی نیز باعث پیچیده تر شدن موضوع است. بهترین دلیل موجودیت حقوق بین الملل و تکامل قواعد آن بر جهان گستری، این است که همه کشورها تلاش مستمری در انطباق عملکردشان بر مقررات آن دارند..

در اینجا لازم است به پیمان نامه های حقوق بشری سازمان ملل متحد که در تکامل اعلامیه جهانی حقوق بشر منعقد شدند اشاره کنیم . پیمان اول در ۱۹۶۶ بر حقوق افراد و آزادیهای اساسی تاکید میکند در حالی که مورد دوم که به نسل دوم حقوق بشر شهرت یافته بر حقوق اقتصادی و اجتماعی متمرکز است . نزدیک به ۱۴۸ کشور از جمله ایران این دو پیمان نامه را به تصویب رسانده اند اما علی رغم تاثیراتی که در وضع زنان، کودکان، کارگران میتواند داشته باشد، ایالات متحده آمریکا حاضر به تصویب کنوانسیون حقوق اقتصادی و اجتماعی نشده است . بنا بر این نتیجه میگیریم که کم رنگ شدن حاکمیت دولتها در کشورهای اروپایی بیشتر از آمریکا بوده است . از طرفی کنوانسیون حقوق کودک به موجب قطعنامه شماره ۲۵ /res/۴۴ بیست نوامبر ۱۹۸۹ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و در سال ۱۹۹۰ لازم الاجرا شد . این کنوانسیون به تصویب ۱۹۱ کشور رسیده است که

در واقع تعداد کشورهای تصویب کننده این کنوانسیون از تعداد کشورهای عضو سازمان ملل بیشتر است.^۱ بدیهی است چنین معاهداتی می تواند در ایجاد یک رژیم اخلاقی مستحکم بین المللی حقوق بشر و همچنین به شکل گیری قراردادهای تجاری بین المللی و هدایت مذاکرات و چانه زنی های بین المللی کمک کنند.^۲

اگر چه مانند مقررات حقوق داخلی برخی موارد نقض را در حقوق بین الملل مشاهده می کنیم ، هر ملتی دارای منافع از حقوق بین الملل و توافقات بین المللی است. حقوق بین الملل جامعه بین المللی را به سمت مشارکت با هدف نظم و ثبات سوق میدهد . وجود نهادهای مشترک و مداخلات متقابل باعث محدودیت

^۱ دکتر مهدی ذاکریان ، حقوق بشردر هزاره جدید . تهران ، دانشگاه تهران

، ۱۳۸۱ ص ۱۰۱

^۲ - دکتر رضا سیمبر ، تحول در نظام بین الملل و کارویژه های ملت دولت

- مجله سیاست خارجی پاییز ۸۰ ص ۷۱۱

عملکرد کشورها شده است . منافع حیاتی هر کشور نوعی همبستگی شدید را با دیگران طلب میکند .مثلا" حفظ صلح و جلوگیری از جنگ ، مثالهای خوبی هستند که از اهداف عمده تشکیل سازمان ملل به شمار میروند. توسعه حقوق معاهداتی که با کنگره وین آغاز شد ، ابزار توسعه حقوقی بین کشورهایی است که آماده مشارکت و همکاری با یکدیگر هستند و بدین ترتیب با الزام خود به انجام تعهد ، خواسته هایشان را به ظهور می رسانند. برای گسترش استقلال و امنیت و حفظ سرزمین ، به خصوص کنترل رفتار سایر کشورها ، هر کشوری می پذیرد که محدودیت هایی بر عملکرد خود ایجاد کند. قواعد حقوق بین الملل را ، از نزاکت بین المللی مانند برا فراستن پرچم کشتی های جنگی خارجی در دریا که جنبه اخلاقی دارد و هیچ تعهد حقوقی ندارد باید جدا

¹Charles De Visscher, Translated From French P.E Corbet Theory & Reality in Public International Law. Princeton University Press, 1968, p, 48

فرض کرد.^۱ نبود قانونگذار بین المللی و مصوبات مجمع عمومی سازمان ملل که مرکب از نمایندگان تمامی کشورهای عضو است و از الزام حقوقی برخوردار نیستند، همچنین نظام قضایی مبتنی بر مواقت اولیه کشورها در دیوان بین المللی دادگستری و حق وتوی اعضای دائم شورای امنیت نیز هیچ تاثیری بر موجودیت این رشته حقوقی ندارد. اگر چه فیلسوف انگلیسی جان آستین^۲ در قرن نوزدهم، نظریه حقوق بر اساس تفکر حاکمیت با پشتوانه ضمانت اجرا و مجازات را مطرح نمود، هنوز حقوق بین الملل با این تفکر منطبق نشده است.^۳ علی رغم خواسته های متفاوت کشورها در بسیاری از اجلاسهای بین المللی که منجر به تصویب معاهدات قانون ساز مانند کنوانسیون حقوق دریا

¹NORTH SEA CONTINENTAL SHELF CASES. I C J Reports,1969.p44

²John Austin

³M-N SHAW ,International Law –Cambridg.1986-p.4

گردیده است، دکترین وفاق عام^۱ چاره ساز بوده است .
وفاق عام منعکس کننده تاثیر اکثریت در ایجاد قواعد
جدید حقوق بین الملل و پذیرش آنها توسط سایر
کشورها می باشد. نوعی تلاش بر تغییر ساختار حقوق
بین الملل از تاکید انحصاری بر دولت - ملت ، به یک
شکل در حال توسعه مشارکت بین المللی است
.^۲ بشریت در جستجوی رفاه و عدالت است نه فقط در
کشوری که زندگی می کند بلکه در نظام بین المللی که
در آن به سر می برد. نکته ای که در پایان این بند
لازم به ذکر است اینکه در همه حال باید انسان را که
محور مطالعات حقوقی فرهنگی و اجتماعی است مد نظر
قرار دهیم و بر این پایه؛ شرق و غرب و سنتی و مدرن
اهمیت خود را از دست می دهند . آنچه بتواند برای
انسان و حیات انسانی مفید باشد ، خوب است . حق تعیین

^۱Consensus

^۲ D'Amato "On Consensus : Eight Canadian Year Book Of
International Law 1970 ,p104

سرنوشت و سایر اصولی که در منشور ملل متحد مورد توجه قرار گرفته است با همین انگیزه بوده است .

۳- آیا صلح جهانی دست یا فتنی است ؟

در سال ۱۹۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه ۳۶/۶۷ را به تصویب رساند که به موجب آن یک روز بین المللی صلح اعلام شود. متعاقب آن در سال ۲۰۰۱ قطعنامه جدید ۵۵/۲۸۲ روز ۲۱ سپتامبر هر سال به عنوان روز بین المللی صلح مورد تصویب قرار گرفت. طبق این قطعنامه روز جهانی صلح باید از آن به بعد به عنوان یک روز آتش بس جهانی وعدم خشونت باشد . جامعه جهانی تمامی ملتها و مردم را دعوت به توقف خصومت ها در این روز می کند . از تمامی دول عضو ، سازمانهای نظام ملل متحد و سازمانهای غیر دولتی و افراد خواسته می شود که با یک روش مناسب و از طریق آموزش و آگاهی عمومی برای ایجاد آتش بس جهانی با سازمان

ملل همکاری کنند. جالب اینجاست که دبیر کل سازمان از همه دعوت کرده است در ساعت ۱۲ ظهر روز صلح یک دقیقه سکوت کنند.^۱ صلح جهانی یک آرزوی دیرینه توأم با عدالت، آزادی و شادی بین ملتهاست. برخی مورخین این اصطلاح را از زمان تشکیل دولت - ملت و پایان جنگهای قرن هفدهم می دانند. مثلاً "اروپای قدیم با دو جنگ اول و دوم را چنانچه با اروپای متحد مقایسه کنیم به این نتیجه می رسیم که صلح از طریق وحدت دست یافتنی است."

تاریخ شناخته شده بشری سراسر جنگهای بزرگ و کوچکی بوده است به طوری که از چند هزار سال تمدن های قدیم و جدید تنها دو قرن، آن هم گسسته صلح نسبی برقرار بوده است. اولین معاهده ای که رسماً "توسل به زور را غیر قانونی اعلام کرد تصویب پیمان

^۱<http://www.worldpeace.org/peaceday.html>

بریان کلوگ^۱ در ۱۹۲۸ و متعاقب آن منشور ملل متحد است .

از نویسندگانی که در دوران باستان با دیدگاه مذهبی جنگ را منفور اعلام کردند می توان به سنت آگوستین^۲ ، توماس آکویناس^۳ فرانسیسکو دوویتوریا^۴ و سوارز^۵ اشاره کرد که سعی در محدود کردن و ایجاد مقرراتی برای جنگ داشتند . در دوران جدید دانشمندانی مانند گروسیوس ، جنتیلی ، بنکر شوک و واتل ، موضوع حفظ صلح از طریق مباحثه را مطرح کردند که حتی با خرد گرایی هم که جنبه مذهبی داشت ؛ جنگ ، عملی مشروع شناخته می شد. براساس وضعیت غالب دولت ملت پس از وستفالی ، هیچیک از

¹ KELLOGG BRIAND PACT(1928)

²ST.AUGUSTINE

³THOMAS AQUINAS

⁴ Francisco De Vitoria

⁵Francisco Suarez

این نویسندگان به طور کامل جنگ را نفی نکردند. زیرا که جنگ جلوه ای از انعکاس ذاتی طبیعت انسانی به شمار میرفت.^۱ با توجه به این وضعیت است که در حقوق بین الملل مقرراتی پیرامون حقوق جنگ وضع شده است. جنگی که ضد ارزش است و شدت نفرت جامعه بین الملل پس از دو جنگ ویرانگر جهانی قرن بیستم از آن، به حدی بوده است که در منشور ملل متحد هیچگاه از چنین واژه ای استفاده نشده است بلکه اصل ممنوعیت توسل به زور از اصول مندرج در این سند بنیادین است. امروزه مهمترین منبع حقوق مخاصمات مسلحانه بین المللی به حقوق ژنو و حقوق لاهه مشهور است.^۲

برای درک بهتر رسیدن به صلح جهانی بررسی تحولات قرون اخیر به خصوص چهار قرن گذشته دارای

^۱Encyclopedia of International Law – North Holland Publishing Company- 1982 –p78-79

^۲ شارل روسو، حقوق مخاصمات مسلحانه ترجمه سید علی هنجانی،

اهمیت است . از آنجایی که بنای ساختار کنونی نظام بین الملل از زمان صلح وستفالی و پایان جنگهای مذهبی در اروپا شروع شد . به خصوص در اوایل قرن نوزدهم تحولات فرانسه و انقلاب صنعتی و سپس آغاز قرن بیستم با انقلاب بلشویکی موج بزرگ ضد استعماری و جنبشهای آزادی بخش ملی در جهت استقلال و تدوین منشور ملل متحد که در بند ۱ ماده ۲ تاکید بر تساوی حاکمیت ها در سازمان ملل متحد دارد، ساختار نظام بین المللی را از سلسله مراتب به سطح افقی تغییر داده است .

بنابراین حکومتها و روسای آنها بدون توجه به وسعت ، ثروت ، قدرت ، مذهب یا ایدئولوژی باید همدیگر را در یک سطح برابر بشناسند . وضعیت کشورها با توجه به نظامهای حاکم بر آنها و وضعیت جغرافیایی در حال انطباق با تغییرات زمانه است .

اولاً: دولت از وضعیت فئودالی در قرن هفدهم و پس از آن، به دولت لیبرال در قرن نوزدهم و به دولت سوسیال قرن بیستم تبدیل می شود. در هر یک از این مراحل، عقاید مانند علوم و تکنولوژی تغییر میکنند. انقلاب اطلاعات تاثیر عظیمی بر جامعه مدنی گذاشت. به طوری که امکان تنظیم مسائل اقتصادی، علمی و یا شرکتها در سطح جهان فراهم گشت و شاهد تشکیل شرکتهای چند ملیتی¹ از سال ۱۹۶۰ به بعد در اکثر نقاط جهان هستیم.

ثانیاً: جهان امروز به دهکده جهانی تبدیل شده است به طوری که پیامها در همان لحظه در سراسر گیتی منتشر می شود و ما می توانیم از طریق وسایل مختلف مانند شبکه اینترنت هر رویدادی در هر گوشه دنیا را به طور زنده مشاهده کنیم.

¹ Multinational Corporations or Transnational Enterprises.

ثالثاً^۱: مهمتر از همه ابزارهای جدید ارتباطات جمعی، مانند انتشار مستقیم از طریق ماهواره یا انتشار اطلاعات فرا مرزی که خارج از کنترل دولتهاست. به هر حال دولتها نمی توانند در شبکه های جدید جهانی برای منافع خودشان مشارکت کنند. یا حداقل بر مسیر شناور اطلاعات کنترل داشته باشند یا حتی در سرزمین خودشان آثار آن را خنثی کنند. به لحاظ وجود دو جنگ جهانی در نیمه اول قرن بیستم و شکست جامعه ملل که ناشی از عدم همکاری و خروج برخی دول عضو بود تجربه سنگینی را بشریت به دست آورد که، صلح تنها راه سعادت و موفقیت بشریت است.

بسیاری از دانشمندان معتقدند که تحقق عدالت نیز منوط به صلح است^۱، زیرا که جنگ، ضد ارزش و ویرانگر تمامی ساختارهای بشری است. چنانچه در یک

^۱پتروس پتروس گالی دبیرکل اسبق سازمان ملل متحد.

جامعه اعم از داخلی و یا بین المللی نظم و قانون که لازمه صلح هستند ، وجود نداشته باشد سخن از عدالت ، بیهوده است . بر همین اساس در تدوین منشور ملل متحد چنان دقتی به عمل آمد تا از هرگونه تنش و مخاصمه جلوگیری به عمل آید . مکانیسمهای پیش بینی شده و نقش سازمان ملل متحد در تغییر نظم جهانی را می توان موفقیت آمیز دانست و همین که در شصت سال گذشته از بروز یک جنگ عالم گیر جلوگیری شده است ، خود دلیل محکمی بر موفقیت این سازمان است . گویی بشریت به سطحی از رشد و تعالی رسیده تا اولاً :
به اهمیت سازمانهای بین المللی توجه کند. ثانياً : در راه رسیدن به یک «جامعه بین المللی» گام بردارد.¹

اگر چه تعداد اعضای دائم شورای امنیت از ابتدا تغییری ایجاد نشده ، در حالی که ساختار جهانی دگرگون شده است . به خصوص کشورهایی مانند

¹International Community

برزیل و هندوستان صراحتاً^۱ درخواست خود را برای عضویت دائم اعلام کرده اند و اخیراً^۲ آلمان نیز چنین درخواستی نموده ، اما با مخالفت برخی کشورها مانند ایتالیا ، کره و برخی کشورهای آفریقائی مواجه گردیده که باعث عدم دست اندازی به این مواد منشور می شود . لکن ساختار منشور توانسته علی رغم نبود تغییرات عمده در تثبیت صلح جهانی ، موفق باشد . به نظر میرسد با پایان جنگ سرد در سال ۱۹۹۲ نقش سازمان ملل ، در این روند محکم تر شده ، به طوری که شورای امنیت از تاثیر و عملکرد متفاوتی برخوردار شده است . سازمان در این تاریخ اجلاسی با سران کشورها تشکیل داده و از دبیر کل گزارشی پیرامون امنیت^۲ پیش گیرانه^۲ در خواست کرده است . کمک سازمان در خاتمه جنگ ایران و عراق ، خروج نیروهای شوروی از افغانستان ،

^۱ <http://yaleglobal.yale.edu/>

^۲ Preventive Security

مشارکت در صلح نامیبیا ، آمریکای مرکزی و خروج عراق از کویت ، نشانگر یک نظام امنیت جمعی سازمان یافته طبق فصل هفتم منشور است.¹ عملیات حفظ صلح ، در حال پیشرفت است مثالهایی از اقدامات در کامبوج و یوگسلاوی و حضور کلاه آبی ها در مناطق مختلف و بالاخره مباحثات مختلف در خصوص حق مداخله بشر دوستانه ، نتیجه افکار عمومی و حکومتها درباره این موضوع است . در خواست مجمع عمومی از دبیر کل جهت اصلاح و هماهنگی با تغییرات نظام بین المللی در خصوص سازمان و همچنین تشویق تمامی سازمانهای نظام ملل متحد برای همکاری با دفتر خدمات حمایت مرکزی دبیر کل جهت هماهنگی با اصلاحات و مشارکت در حوزه جهانی سازمان ملل برای تغییرات قابل حصول در تمامی زمینه های بشری ، نمونه بارزی از

¹ Maurice Bertrand-The Role Of The United Nations In The Context Of The Changing World Order-Global Transformations -un.universitypress .1994-p.462-3

ضرورت و درک جامعه بین المللی در جهت صلح جهانی محسوب می‌گردد.^۱ ارتباط بین صلح و توسعه را می‌توان به رابطه متقابلی شبیه دانست که، به هر میزان پایه های صلح مستحکم باشد، امکان توسعه بیشتر خواهد بود. البته این دو لازمه یکدیگرند و می‌توان گفت به تنهایی نیز موفقیتی ندارند. مثلاً "در سالهای گذشته رواندا شاهد توسعه موفقی بود اما در زمان قتل عام ۱۹۹۴ ثابت کرد که توسعه فنی و اقتصادی به تنهایی نمی‌تواند ثبات را تامین کند. مخاصمه باعث خرابی تمام کارهای انجام شده در طول سالیان دراز در چند هفته شد. از طرف دیگر ایجاد صلح مستلزم توسعه است. به طوری که تاثير مستقیم نیازهای اولیه انسانی مانند غذا و آب و نیازهای اجتماعی بشری مانند آموختن و احترام را می‌طلبد. ایجاد صلح به تنهایی به معنی فقدان

¹A/res/59/288/2005,54/14/1999,55/257/2001,55/279/2002

جنگ نیست (صلح منفی) بلکه از جنبه مثبت صلح مد نظر است.^۱

در مجموع می توان چنین استنباط کرد که برای نظم جهانی نیازمند پیشرفت عدالت اجتماعی ، توسعه اقتصادی و به خصوص فرایندهای مشارکت سیاسی هستیم. همچنین توجه به این موضوع ما را به این نتیجه می رساند که فقر و ستم عامل اولیه جنگ و خشونت هستند . ایجاد صلح از جنبه مثبت است که توسعه را به همراه خواهد داشت. به گفته کمال درویس^۲ دبیر برنامه توسعه سازمان ملل متحد: «جهانی سازی ، اقتصاد جهان را اساساً" تغییر داده است . باعث کاهش نا برابری بین کشورها شده ، به طوری که در این میان برنده و بازنده وجود ندارد . شمول هرچه بیشتر جهانی سازی مهمترین

¹ Mary Anderson, DO NO HARM: Supporting Local Capacities For Peace Project, 1996) p.74

² Kem al Dervis

مسئله توسعه در زمان ماست^۱». روند تاریخی موضوع را می توان چنین بیان کرد که دهه ۱۹۴۵ میلادی به بعد اختصاص به صلح داشت. متعاقب جنگ دوم و تشکیل سازمان ملل متحد بود. از ۱۹۵۵ دهه آزادی نام گرفت. تدوین بسیاری کنوانسیونهای حقوق بشر آزاد سازی ملت‌های تحت استعمار، ارمغان این دوره است. دهه ۱۹۶۰ به توسعه اختصاص یافته است و دهه ۱۹۷۰ توجه بشریت به محیط زیست، تا اینکه از ۱۹۸۰ به ضرورت توسعه پایدار اهمیت بیشتری داده شده است.

در اعلامیه هزاره برای به دست آمدن صلح، امنیت و خلع سلاح؛ کشورها به تحمل یکدیگر ترغیب شده اند. روشهای رسیدن به آزادی با رعایت حقوق بشر، دموکراسی و حکومت‌های مردمی انجام پذیر است. در رابطه موضوع توسعه و از بین بردن فقر؛ از مهاتما

^۱<http://www.undp.org/publications/annualreport2007/>

گانندی که پدر ملت لقب گرفته چنین نقل است : به دنبال راههای رسیدن به صلح نگردید بلکه خود صلح در راه است.^۱

چنانچه به مهمترین عامل خاتمه جنگ جهانی دوم توجه کنیم به اهمیت انرژی اتمی در طریق صلح بیشتر پی می بریم. هشت سال بعد از سقوط بمب ویرانگر هیروشیما ، شوروی سابق و انگلستان نیز به تکنولوژی هسته ای دست یافتند . با توجه به رغبت و تلاش دیگر کشورها در این مسیر نه تنها جهت تولید بمب ، بلکه تولیدات هسته ای رادیواکتیوی که مفید برای بشریت است ؛ مباحث سیاسی به دنبال راه حلی بود تا اینکه مجمع عمومی پیشنهاد تشکیل آژانس بین المللی انرژی اتمی را مطرح کرد : «اتم برای صلح» ، پس از تشکیل کنفرانسی در مقر سازمان ملل آژانس بین المللی انرژی اتمی به وجود آمد و در تاریخ ۲۹ ژولای ۱۹۷۵ به تصویب

^۱<http://www.mahatmagandhiji.com>

حکومتها رسید . تا به عنوان زیر مجموعه ای از نظام سازمان ملل متحد عمل کند .^۱ اولین هدف آژانس تشویق و توسعه مشارکت انرژی اتمی برای صلح و بهداشت در سراسر جهان است . دومین هدف آن اینکه تا حد امکان هرگونه فعالیت اتمی را تحت کنترل خود داشته باشد . به طوری که در زمینه نظامی نباشد . مقر سازمان در وین پایتخت اتریش است . در بدو تاسیس کارکنان آن حدود ۱۰۰۰ نفر بودند . بودجه آن از طریق اعضای سازمان ملل و برنامه توسعه ملل متحد^۲ و موارد خاص تامین می شود . ناگفته نماند کشف این انرژی عظیم در سال ۱۹۰۲ توسط ماری و پیر کوری با اکتشاف رادیوم صورت گرفت . ماده رادیو اکتیوی که از عناصر مختلف اورانیوم به دست آمد . با جداسازی آرام اتم ها

^۱Win Throp & Frances Nelson ,The United Nations:The Worlds Last Chance For Peace ,A mentor Book,New American Librery ,New York ,1975,pp147-9

^۲UNDP

در زمینه معالجه سرطان مفید واقع شد. همین ماده در سال ۱۹۴۵ جهت تولید بمب به کار رفت. انرژی اتمی که قوی ترین نیروی مرگ آورست چنانچه در روش صحیح بکار رود ، می تواند جان بسیاری از انسانها را نجات دهد . به همین منظور سازمان بهداشت جهانی در زمینه تحقیقات پزشکی با کمیسیون بین المللی تحقیقات پزشکی انرژی اتمی همکاری و مساعدت می نماید . سازمان کشاورزی تغذیه ملل متحد^۱ نیز در زمینه های خاص با آژانس همکاری دارد. خصایص ژنتیکی برخی دانه ها از طریق جهش یا تغییرات ژنتیکی نمونه ای از این دست می باشند . کشورهایمانند هندوستان ، ژاپن و اسکاندیناوی از این طریق محصولات بهتری به دست آورده اند . ذکر این موضوع به این دلیل است که اگر تلاش انسانها در جهت دستیابی به صلح جهانی باشد از یک عنصر می توان مرگبار ترین سلاح و از همان عنصر

^۱The UN Food Agriculture Organization .

می توان مفید ترین درما نها را پدید آورد. بنابراین برای رسیدن به صلح جهانی عزم ملی ضروریست و حکومت هایی که از خواست ملت های شان در این مسیر پیروی کنند. از سوی برخی دانشمندان^۱ برای نیل به این هدف راه هایی پیشنهاد گردیده است، از جمله تجدید نظر در منشور ملل متحد به طوری که ماده به ماده مورد بررسی قرار گیرد و در این مسیر اصلاح شود. روش دیگر تشکیل سازمان جدید توسعه و امنیت جهانی است که ساختار نیروهای حافظ صلح سازمان ملل را مورد حمایت قرار دهد. به این منظور منشور زمین^۲ جهت حفظ و حمایت از منابع طبیعی و محیط زیست وضع گردید و از آن به عنوان میراث مشترک بشریت یاد می شود. در پایان باید به سخنان واقع بینانه اوتانت دبیر کل اسبق سازمان ملل در سال ۱۹۶۹ اشاره کنم که معتقد

^۱Greenville Clark & Louis Sohn

^۲ Earth Charter

بود: «تنها زمانی که در تاریخ جهان دوره ای از صلح وجود داشته زمانی بوده که توازن بین قدرتهای حاکم برقرار بوده است». هر وقت که ملتی قدرتمند تر شده است خطر بالقوه ای برای جنگ ا فروزی پدید آمده است. بنابراین دنیای امن تری خواهیم داشت ، چنانچه در آن ایالات متحده آمریکا ، اروپا ، روسیه ، چین و ژاپن از قدرت بیشتری برخوردار باشند به شرط اینکه این قدرت را علیه یکدیگر به کار نبرند.^۱

اعلامیه حق مردم بر صلح^۲ مصوب ۱۹۸۴ مجمع عمومی و ضمیمه آن با تاکید بر اصول و اهداف منشور ملل متحد جهت حفظ صلح و امنیت بین المللی ، توجه به توسعه و پیشرفت کشورها و وظیفه اصلی هر کشور به حفظ صلح آمیز زندگی مردم ، به عنوان یک تکلیف

^۱Clark & Sohn "Introduction to World Peace Through World Law" Harvard University Press.1973,p94

بنیادین و حق مقدس مردم عنوان شده است. مردم هر کشور برای تحقق این ضرورت باید گام بردارند سیاست دولتها باید در جهت حذف تهدید به جنگ به ویژه جنگ هسته ای و تقبیح توسل به زور در روابط بین الملل و حل اختلافات بین المللی از طرق صلح آمیز بر اساس منشور ملل متحد باشد. از طرفی مداخلات سازمان ملل به لحاظ «تعیین موقعیت بحران»^۱ چندان جنبه پیشگیرانه ندارد بلکه اغلب زمانی دخالت می کند که احتمال تاثیر اقدامات آن حداقل است.

^۱ کانی یک - صلح پایدار، نقش سازمان ملل متحد و سازمانهای منطقه ای در پیشگیری از جنگ، ترجمه سهیلا ناصری - تهران - دفتر مطالعات

فصل اول:

منابع کلاسیک و نوین حقوق بین الملل و

جهانی شدن

مجموع عنوان منابع حقوق بین الملل در برگیرنده قواعد و اصولی است که حقوقدانان بین المللی باید برای تعیین مضامین حقوقی به آنها مراجعه کنند. بر این اساس استنتاج قواعد حقوق بین الملل در اثبات نظری که بدان عمل می شود اهمیت پیدا می کند.

موفقیت یا شکست در یک پرونده قضایی بین المللی بستگی به آشنایی درست از این منابع حقوق دارد. برای تحقق کامل صلح جهانی نیز از طریق همین منابع می توان به یک نظم قانون مدار دست یافت. تقسیم بندی های مختلفی برای منابع حقوق بین الملل مطرح شده است. دو دسته مهم این تقسیم بندی شامل منابع صوری و منابع ماهوی است. در تعریف منابع صوری می توان گفت: فرایندها و روشهایی است که قدرت الزامی قواعد

را به وجود می آورد و برای موضوعات هر نظام حقوقی قابل اعمال است. منابع ماهوی نشانگر ویژگی یا اختصاصی بودن قواعد حقوقی است که پس از اثبات برای یک اختلاف مطروحه قابل اعمال هستند.^۱

حقوق بین الملل با حقوق داخلی به لحاظ وجود یک قانونگذار و سلسله مراتب بین دادگاهها متفاوت است. در حالی که هیچ قانونگذار جهانی نداریم و عملکرد مجمع عمومی سازمان ملل مشابه پارلمانهای داخلی نیست. چنین گفته می شود که حقوق بین الملل ناشی از منابع مختلفی است که در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری ضمیمه منشور ملل متحد نام برده شده است. سه قسمت الف؛ ب؛ ج. بند ۱ ماده مذکور که به معاهدات بین المللی عام یا خاص که صریحا " توسط

¹ Robert Maclean, Public International law "London
,1992,p14

طرفین اختلاف پذیرفته شده اند، عرف بین المللی به عنوان رویه ای کلی که به صورت قانون پذیرفته شده است و اصول کلی حقوقی مورد قبول ملل متمدن جهان، منابع صوری هستند. در حالی که تصمیمات قضایی و آموزه های برجسته ترین حقوقدانان ملل مختلف، همان منبع ماهوی، در قسمت دال به عنوان ابزار فرعی برای تعیین قواعد حقوقی ذکر شده است. برای توضیح بیشتر در شناخت منابع صوری و ماهوی باید گفت: که منابع صوری، روشهای حقوقی برای ایجاد قواعد کاربردی عام است که قانوناً بر مورد الزام آور هستند، در حالی که منابع ماهوی دلیل وجودی قواعدی را تعیین می کند که وقتی ثابت شدند دارای حالت الزامی قواعد حقوقی کاربردی عام می گردند. در نظام داخلی مفهوم منابع صوری به ساختار قانون اساسی بر می گردد و وضعیت قاعده حقوقی از طریق قانون اساسی ایجاد می شود. مثلاً"